

بررسی نمادین توصیفات بهشت و جهنم با توجه به آیات قرآن کریم

در چارچوب زبان‌شناسی شناختی (طرحواره تصویری حجمی)

واژگان کلیدی

* قرآن کریم

* نماد

* بهشت

* جهنم

* طرحواره حجمی

اکرم پرهیزکار * akramparhizkar. 1994@gmail.com

کارشناس ارشد زبان شناسی همگانی

دکتر عالیہ کرد زعفرنلو کامبوزیا

دانشیار زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

قرآن کریم معجزه پیامبر اسلام، یک برنامه کامل زندگی است که مملو از مفاهیم انتزاعی می‌باشد. هدف نگارنده از نگارش این تحقیق، تبیین مفهوم دو واژه بهشت و جهنم با استفاده از طرحواره حجمی است. پیکره این تحقیق ۱۴۸ آیه از قرآن کریم است که به طور خاص فقط به توصیف آشامیدنی‌ها، خوراکی‌ها، درخت‌ها و رنگ‌ها می‌پردازد و سپس از لحاظ نمادین آن‌ها بررسی شده‌اند. روش تحقیق، از نوع توصیفی است و همچنین در چارچوب زبان‌شناسی شناختی می‌باشد. دستاوردهای این تحقیق شفافیت مفهوم واژه‌های بهشت و جهنم است. همچنین با بررسی و مقایسه توصیفات نمادین می‌توان نتیجه گرفت تمام عناصر به کار رفته در بهشت، نماد امید، زندگی، شفا و لذت است در حالی که عناصر مربوط به جهنم در مقابل نماد مرگ، عذاب و سختی است.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۸

۱- مقدمه

قرآن به عنوان منبع اصلی عقاید همهٔ مسلمانان، بسیار مورد توجه است. قرآن مملو از مفاهیم معنوی و نورانی و همچنین برنامه کامل زندگی بشری است که از ملزومات زندگی امروزه است. جوانان باید در درک هرچه بیشتر عظمت و معنویت مفاهیم قرآنی بکوشند و از رهنمودهای عالی این کتاب آسمانی در توسعه هرچه بیشتر زندگی فردی و اجتماعی بهره ببرند. نگارنده به عنوان عضوی از این جامعه اسلامی و با توجه به علم خود در زبان‌شناسی سعی دارد قدمی برای درک بهتر و بیشتر این دریای عظمت بردارد، به این ترتیب به بررسی نمادین توصیفات مفاهیم بهشت و جهنم در آیات قرآن کریم می‌پردازد و همچنین این مفاهیم را در چارچوب نظری زبان‌شناسی شناختی و به طور خاص طرحواره حجمی بررسی می‌کند. نگارنده سعی دارد با انجام این تحقیق به نمادهای استفاده شده در توصیف بهشت و جهنم بپردازد و آن‌ها را بررسی نماید. در توصیف بهشت و جهنم تعدادی از مفاهیم مانند درخت، خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها استفاده شده‌است که رابطهٔ آن‌ها توجیه می‌شوند.

۲- پیشینهٔ تحقیق

طحانیان (۱۳۹۳)، در تحقیق خود با موضوع بررسی ساختار نمادشناسی موضوع قرآنی رشد (معنوی) برای تبدیل شدن به انیمیشن، به روش توصیفی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای، ساختار نمادین موضوعات و مفاهیم قرآنی را تعیین می‌کند. سپس به شناسایی و تبیین عناصر نمادین مربوط به رشد معنوی در قرآن می‌پردازد. در انیمیشن مرمت مفهوم رشد به معنای نائل شدن به حق و حقیقت به‌ویژه در برابر پروردگار و پایداری در این راه است. معرفت و روش‌های آن، انواع و مراتبی دارد.

یگانه (۱۳۹۲)، در تحقیق خود با عنوان بررسی استعاره‌های بهشت و جهنم در ترجمه فارسی قرآن، انجیل و تورات با رویکرد معنی‌شناسی شناختی به بررسی ۸۵۲ عبارت استعاری در قرآن و ۱۴۰ عبارت در تورات می‌پردازد. تحقیق خود را با روش توصیفی و در قالب شناختی رویکرد لیکاف به انجام رسانده است. پژوهشگر به این نکته می‌پردازد که در توصیف بهشت و جهنم چه نوع استعاره‌های کاربرد بیشتری دارد. بررسی‌ها نشان داده‌است که بسامد هر سه استعاره

ساختاری، هستی شناختی و جهتی در قرآن بیشتر است. هم قرآن و هم انجیل در ترسیم فضای بهشت بیشتر از استعاره ساختاری بهره برده‌اند. ولی در دو نوع دیگر اینطور نیست.

بصیری (۱۳۸۶)، در تحقیق خود با عنوان، جهنم و جهنمیان در قرآن و حدیث، با بررسی نظریات مفسرین و محدثین و متکلمین اسلامی، به روش توصیفی به ویژگی‌های کلی جهنم و جهنمیان می‌پردازد. این ویژگی‌ها شامل: ۱. جهنم بدترین جایگاه برای کافران و منافقین و بزه‌کاران است که نمی‌توانند از آن خلاصی یابند. ۲. عوامل عمده‌ای که سبب ورود به جهنم می‌شود را برمی‌شمارد. ۳. وجود فعلی جهنم با عنایت به آیات قرآنی و احادیث. ۴. چه کسانی در دوزخ ماندگارند. ۵. نوع عذاب‌ها و کیفرهای جهنم متناسب با میزان جرم و گناه جهنمیان است. ۶. غالب محدثین و مفسرین براین عقیده هستند که منظور از ابواب در آیات مربوطه طبقات آن است که دارای هفت طبقه می‌باشد.

قاسم‌زاده (۱۳۸۱)، در تحقیق خود عنصر رنگ را در شعر معاصر بررسی نموده است. پیکره تحقیق، اشعار نیما، سپهری، شاملو، موسوی گرمارودی و طاهره صفارزاده می‌باشد. از اهداف این تحقیق نمایاندن ظرایف خلقت و چگونه تاثیر و تاثر و بهروری شاعران از آن است و هدف دیگر آن آشنا ساختن نسل جوان و محقق به خصوصیات روحی و روانی شاعران معاصر و نگرش خاص آنان نسبت به جهان اجتماعی خود با روان‌شناسی رنگ‌ها، می‌باشد.

بهروز (۱۳۸۰)، در تحقیق خود با عنوان، بهشت و جهنم در قرآن، به بررسی بهشت و جهنم می‌پردازد. در این تحقیق از روش توصیفی استفاده شده است. پژوهشگر به بررسی واژه بهشت و جهنم، نام‌های دیگر بهشت و جهنم در قرآن، اوصاف بهشت، ویژگی‌های کلی نعمت‌های بهشت، اوصاف بهشتیان، نعمت‌ها و لذت‌های بهشتی، ویژگی‌های کلی مجازات‌های الهی و عذاب‌های جهنم پرداخته است.

جمکرانی (۱۳۷۸)، در تحقیق خود با موضوع نماد و تعبیر نمادین در شعر معاصر فارسی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ با تکیه به آثار پنج تن از شاعران این دوره، پرداخته است. برخی از نمادها بین شاعران مورد بحث، مشترک است، مانند شب، پنجره و آینه. در آثار قزوه و سمقی بیشترین نمادهای اختصاصی را به کار گرفته‌اند و ابتهاج در این بخش نماد خاصی ندارد. نمادهای اشعار رامین پور از خلاقیت خاصی برخوردارند. از مقایسه و تحلیل نمادها و آمار به

دست آمده، مشخص می‌شود که برخلاف فرض‌ها قریب به ۶۰٪ نمادها کلیشه‌ای و قدیمی هستند و تنها حدود ۴۰٪ از آن‌ها جنبه ابتکاری دارند.

فرزانه حاجی قاسمی، طرحواره‌های حجمی مفهوم قیامت در قرآن کریم را بررسی کرده است. نگارنده در پی این موضوع است که مفاهیم انتزاعی پیچیده و پراهمیت قرآن کریم که به روش طرحواره‌های تصویری به آن اشاره شده است را تبیین نماید. در این تحقیق از روش توصیفی استفاده شده است و در پایان به این نتیجه رسیده است که ذهن آدمی قادر است با دریافت داده‌های محیط خارجی به همان صورت که دریافت کرده‌است، مفاهیم پیچیده معنوی در بافت زبانی - گفتاری رمزگشایی نماید.

تحقیق نگارنده از آن جهت جدید به نظر می‌سد که در موارد ذکر شده، هیچ کدام به بررسی نمادین توصیفات بهشت و جهنم نپرداخته‌اند. همچنین مفهوم بهشت و جهنم در قرآن را که مفهومی غیرقابل لمس برای ما دارد و آن را قبلاً تجربه نکرده‌ایم با استفاده از طرحواره حجمی رمزگشایی می‌نماید.

۳- مبانی نظری

۳-۱- نماد

نماد با فتح نون و سکون دال از «نمود» بر وزن «ودود» است؛ نمودن یعنی نشان دادن همچنین از ریشه «نمود» و «نمودن» به ضم نون، به معنی «ظاهرشدن و نمایان گردیدن» هم در برخی از متون و فرهنگ‌های کهن به چشم می‌خورد، نماد معنای فاعلی نیز دارد؛ یعنی «ظاهر شونده و نمایان‌گردنده». (قبادی، ۱۳۷۵)

نماد شناختی غیرمستقیم است؛ چون «شناخت موضوع و متعلقات آن، به صورتی مستقیم و بی واسطه ممکن نیست، در نتیجه از سویی توانایی نماد در تصویرو نمایش مدلول محدود است و از سوی دیگر، تصویری رساتر و تواناتر از آن برای افاده معنی وجود ندارد. نماد مستقیماً بر معنایی دلالت نمی‌کند. بلکه منحصرآ تذکار می‌دهد و اشعه شبکه‌ای نورانی را بر یک نقطه متمرکز می‌سازد و شمارکثیری از معانی را که به یک یا چند معنی محدود، خلاصه و تحویل نمی‌شوند، از راه تماثل گرد می‌آورد و به هم می‌پیوندد.» (ستاری، ۱۳۷۲: ۲۳)

۳-۱-۱ انواع نماد

نمادها را از حیث شمول و وسعت می‌توان به نمادهای عام و خاص تقسیم کرد:

۱. نمادهای عام: گستره عمل وسیع دارد و حتی ممکن است شمول آن فراتر از ادبیات یک ملت باشد، مانند کبوتر سفید و برگ زیتون برای صلح.

۲. نمادهای خاص: نمادهای ساخته ذهن هنرمند و تعبیر متناسب با روحیه او است مثل نماد بحر در اشعار مولوی. (قبادی، ۱۳۷۵: ۱۶)

۳-۲ زبان‌شناسی شناختی

زبان‌شناسی شناختی شاخه‌ای نو از دانش زبان‌شناسی است که در طول ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به عرصه ظهور رسید. این مکتب از مکاتب زبان‌شناسی، از مباحث زبانی و علوم شناختی که به ذهن انسان و روان‌شناسی گشتالتی می‌پردازد، سرچشمه گرفته است (Evans & Green, 2006, p.3).

از نگاه این مکتب زبان‌شناسی، گفتار و مفاهیم نهفته در آن، تنها از طریق قوای شناختی انسان که برگرفته از محیط پیرامونش است، شناخته و درک می‌شود. به عبارتی، مکتب زبان‌شناسی مذکور فرض را بر این گذاشته است که «زبان یک قوه ذهنی غیرحوزه‌ای و وابسته به دیگر قوای ذهنی است» (Langacker, 1987).

«شناخت» انسان را اصلی‌ترین اصول شناختی به حساب می‌آید و براساس آن معنا و مفهوم زبانی درک و دریافت می‌شود. لذا در این نوشتار پیش از ورود به بخش تحلیل و بررسی باید به طور گذرا و خلاصه به ۴ اصل معنایی (راسخ مهند، ۱۳۹۳: ۲۳) که مکتب زبان‌شناسی مورد نظر بدان پایبند است، اشاره‌ای داشته باشیم. عبارتند از:

۱. منظری بودن معنا: این اصل براین قرار است که تغییر زاویه دید به مفاهیم ذهنی، کاربرد متفاوت واژگان در گفتار را به دنبال دارد. بنابراین، معانی مفاهیم در پیچه‌ای هستند که با «نماسازی» آن‌ها می‌توان ساختارهای شناختی متفاوتی به کلام بخشید.

۲. انعطاف پذیری: مراد آن است که ساختمان زبانی که مفاهیم انتزاعی را بیان می‌کند ثابت و غیرقابل تغییر نیست بلکه همان‌گونه که شناخت و برداشت انسان از محیط اطرافش در حال تغییر و تحول است، ترکیب واژگانی به کارگرفته شده از سوی او نیز در ارائه مفاهیم متغییر می‌باشد.

۳. عدم استقلال معنا از سایر حوزه‌های شناختی: نمی‌توان معنی را در محدوده فرهنگ‌لغت نگه داشت و آن را جدا از دنیای پیرامون دانست چراکه معنی زبانی، تجربیات شخص را انتقال می‌دهد.

۴. کارکرد عینی و تجربه‌ای معنا: مفاهیم ذهنی در قالب مفاهیم عینی و تجربه‌ای بیان می‌شود. «جسمی شدگی» معانی بر همین اصل دلالت دارد.

۳-۳-۳ طرحواره‌های تصویری

اصطلاح «طرحواره‌های تصویری» نخستین بار در سال ۱۹۸۷ میلادی هم زمان در کتاب «بدن در ذهن» اثر مارک جانسون و کتاب «زن‌ها، آتش و خطر» اثر جورج لیکاف مطرح شد. برداشت هر دو نفر از این اصطلاح «یک بخش کلیدی از تعبیر خاستگاه‌های جسمی شدگی اندیشه و مقصود انسان» بود؛ ضمن آنکه به سه محور فلسفه عمیق، روانشناسی ژرف و مباحث زبانشناسی توجه داشتند. (Johnson, 2005, p.15).

«طرحواره‌های تصویری در حقیقت ساختارهای ساده‌ای هستند که در تجارب بدنی (جسمانی) روزانه ما دائما تکرار می‌شوند (بازگردانده می‌شود): ظرفیت، راه، روابط، نیروها، تعادل و جهت‌گیری‌های متعدد مانند بالا و پایین، جلو و عقب، جزء و کل، مرکز و پیرامون (حاشیه)» (Lakoff, 1987, p.267).

۳-۳-۱ طرحواره تصویری حجمی

این طرحواره تصویری برگرفته از تجربیات فیزیکی است که انسان با قرارگرفتن در آن‌ها محدوده‌ای را به عنوان مکان احساس می‌کند.

۴- روش تحقیق

این تحقیق به صورت توصیفی انجام شده است. پیکره آن ۱۴۸ آیه از قرآن کریم است که به توصیف آشامیدنی‌ها، خوراکی‌ها، درخت‌ها و رنگ‌ها در بهشت و جهنم پرداخته شده است و سپس از دیدگاه نمادین بررسی شده اند. از تعداد کل آیات، ۱۰۲ آیه مربوط به بهشت است که در این میان ۵۰ آیه از سوره‌های مکی و ۵۳ آیه از سوره‌های مدنی می‌باشد. به عبارت دیگر ۴۹٪ از آیات، مکی و ۵۱٪ آیات، مدنی هستند.

به این ترتیب ۴۵ آیه در رابطه با جهنم است که ۴۰ آیه از سوره‌های مکی و ۵ آیه از سوره‌های مدنی هستند. به عبارت دیگر ۸۹٪ از آیات مکی و ۱۱٪ آیات مدنی هستند. باید قید شود که برخی از آیات در بردارنده توصیف هر دو مورد یعنی بهشت و جهنم به طور همزمان هستند. اطلاعات جمع‌آوری شده سپس به روش کتابخانه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

۵- ارائه و تحلیل داده‌ها

۵-۱ توصیفات بهشت و جهنم

آیات قرآن کریم و روایات از جمله شیوه‌هایی هستند که می‌توانیم برای آشنایی با حقیقت بهشت و جهنم از آن استفاده کنیم. در این تحقیق هم با استناد به آیات قرآن کریم ابتدا به توصیف بهشت و جهنم می‌پردازیم و سپس از دیدگاه نمادشناسی آن را تحلیل می‌نماییم.

بهشت و یا جهنم جایگاهی در جهان پس از مرگ است که انسان‌ها در آن سزای عمل خود را می‌بینند. جهنم به عنوان بدترین مکان در مقابل بهشت به عنوان بهترین مکان در آخرت‌شناسی قرار دارد. بهشت جامع همه نیکی‌ها و جهنم جامع همه زشتی‌هاست. همان طور که در آیات قرآن اشاره شده است، بهشت باغی است که انواع نعمت‌ها از جمله چشمه‌ساران، درختان، میوه‌های پاکیزه، همسران باکرامت، حورالعین، خدمت‌گزاران و بناهایی تزئین شده از یاقوت و زمرد، در آن وجود دارند. از بهشت در قرآن با نام‌های خلد، دارالسلام، دارالمقامه، رحمت، صدق، عدن، فردوس، ماوای، ملک کبیر و نعیم یاد شده‌است. در مقابل جهنم، آتش فروخته شده خداوند است که با آن مستحقان عذاب را کیفر می‌دهد و نام مکانی است که خداوند، کافران، دشمنان خدا و ظالمان را در آن عذاب می‌دهد. در قرآن از جهنم با نام‌های

اثام، جحیم، حطمه، سچین، سعیر، سقر، لظی، نار و هاویه یاد شده است. توصیفات زیادی از تمام جزئیات بهشت و جهنم در آیات و روایات یافت می شود اما در این تحقیق، تنها به ۴ موضوع می پردازیم:

۱. آشامیدنی ها ۲. خوراکی ها ۳. درخت ها ۴. رنگ

۵-۱-۱ آشامیدنی ها

انواع نوشیدنی هایی که در بهشت نام برده شده است، می توان به آب، شراب ناب با رنگ سفید (صافات: ۴۳ تا ۴۷)، شیر و عسل (محمد: ۱۵) اشاره کرد. در جهنم نیز آب داغ (انعام: ۷۰) و مایع چرکین (ابراهیم: ۱۶) از جمله نوشیدنی ها هستند. نوشیدنی های بهشت در آیات قرآن با ویژگی گوارا (طور: ۱۷ و ۱۹)، پاکیزه و پاک بودن (انسان: ۲۱) یاد شده است. حتی در سوره انسان (۱۲-۱۷ و ۱۸) ذکر شده است، نوشیدنی های بهشت از چشمه سلسبیل جوشیده می شود، اما در مقابل آب های جهنم داغ و سوزان هستند (واقعیه: ۹۲ و ۹۳). به طوری که جهنمیان با خوردن آن ها از درون متلاشی می شوند. (محمد: ۱۵). حتی در سوره کهف (۲۹) این آب داغ به مس گداخته شده تشبیه شده است. این آب داغ صورت جهنمیان را بریان می کند (کهف: ۲۹). اما با این حال تشنگی سیری ناپذیری دارند و مانند شتران تشنه از این آب می نوشند (واقعیه: ۵۱-۵۴ و ۵۵). از دیگر نوشیدنی های جهنم آب چرکین و جراحت است که از پوست جهنمیان (ص: ۵۶ و ۵۷) جاری شده است. همان طور که از توصیفات مشخص است نوشیدنی های بهشت و جهنم کاملاً در تضاد با یکدیگر هستند، حتی شرابی که در آیات قرآن به عنوان نوشیدنی بهشت یاد شده است با شرابی که در دنیا (مشروبات الکی) استفاده می شود، متفاوت است. شراب در بهشت باعث لذت نوشندگان می شود (صافات: ۴۳-۴۵ و ۴۶)، بدون آنکه فساد و زوال عقل داشته باشد. در حالیکه یکی از حرامات در دین اسلام شراب است، زیرا به سلامتی آسیب می رساند و باعث زوال عقل می شود. از جمله شراب هایی که در بهشت نام برده شده است، شراب هایی با آمیزه کافور (انسان: ۵)، زنجبیل (انسان: ۱۷) و تسنیم (مطفقین: ۲۵) و ۲۷) می باشند.

شیر که از دیگر نوشیدنی های بهشت است، نماد پاکی، صفا و حقیقت است و خداوند از نهرهایی از شیر در قرآن یاد کرده است که طعم آن ها غیر قابل تغییر است. عسل به عنوان

نوشیدنی دیگر بهشت از جمله نوشیدنی‌های شفا بخش و ضد میکروب است که بسیار برای بدن مفید است. به عبارتی در قرآن هم به شفا ی روح و قلب و هم به شفا ی جسم توجه شده است.

همان طور که ذکر شد تمام نوشیدنی‌های بهشت نماد گوارایی، شفا و پاکی هستند که باعث لذت بهشتیان می‌شوند ولی در مقابل نوشیدنی‌های جهنم همگی مفهوم زجر، آلودگی، سیاهی و آسیب را می‌رسانند.

۵-۱-۲ خوراکی‌ها

خوردنی‌هایی که در آیات قرآن برای بهشت از آن نام برده شده است، گوشت (طور: ۲۲) و میوه‌هایی از قبیل انار (رحمان: ۶۸)، انگور (نبأ: ۳۲)، خرما (رحمان: ۶۸) و موز (واقعه: ۲۹) می‌باشند. عبارت لحم به معنای گوشت ۱۲ بار در سوره‌های بقره، مائده، انعام و نحل ذکر شده است، چراکه اساس تغذیه انسان و قوت بدن است. همچنین از گوشت پرندگان و گوشت‌های دریایی یاد شده است.

«وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» و از گوشت پرنده هر چه بخواهند. (واقعه: ۲۱)

همان طور که در سوره صافات (۴۲ و ۴۳) ذکر شده است، باغ‌های بهشت دارای میوه‌هایی می‌باشند که این میوه‌ها سریعا بعد از چیده شدن با میوه دیگر جایگزین می‌شوند (بقره: ۲۵) و همچنین این میوه‌ها مصون از هرگونه ضرر می‌باشند (دخان: ۵۵).

«حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا: باغچه‌ها و تاکستانها.» (نبأ: ۳۲)

انگور یکی از لذیذترین میوه‌هایی است که خداوند برای انسان آفریده است و از این رو یازده مرتبه در قرآن کریم نام برده شده است. این میوه حاوی ویتامین‌های C, B, A است که سرشار از مواد مغذی برای بدن است.

«فِيهَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ: در آن دو میوه و خرما و انار است.» (رحمان: ۶۸)

خرما میوه لذیذی است که خواص درمانی زیادی دارد. انار نیز میوه شفابخشی است که به سبب دانه‌های متعددش بیش از هرچیزی، نماد باروری و تکثیر نسل و حاصلخیزی و وفور نعمت است.

خوردنی‌هایی که در آیات قرآن باری جهنم نام برده شده است، خونابه(حاقه: ۳۵ و ۳۶) و زقوم (دخان: ۴۳-۷) و ضریح (غاشیه: ۴-۷۶) می‌باشند. همچنین غذای جهنمیان، غذای گلوگیر ذکر شده است.(مزمّل: ۱۲ و ۱۳).

«وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ: و خوراکی جز چرکابه ندارد.»(حاقه: ۳۶)

این طعام آبی است که از شست و شو بدن کفار در دوزخ می‌ریزد و خونابه داغی که کافران را با آن پذیرایی می‌کنند، چرک، و کثافتی است که از سوختن اهل جهنم حاصل می‌شود.

«إِنَّ شَجَرَتَ الزُّقُومِ ﴿۴۳﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿۴۴﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿۴۵﴾: آری درخت زقوم - خوراک گناه پیشه است - چون مس گداخته در شکمها می‌گدازد.» (دخان: ۴۳-۴۵)

غذای دیگر دوزخیان زقوم است، زقوم گیاهی تلخ، بدبد، بدطعم و شیرهای دارد که وقتی به بدن انسان می‌رسد، ورم می‌کند.

«تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿۴﴾ تُسْقَى مِنْ عَيْنِ آيَةٍ ﴿۵﴾ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ﴿۶﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿۷﴾: [ناچار] در آتشی سوزان درآیند - از چشمه ای داغ نوشانیده شوند - خوراکی جز خار خشک ندارند - [که] نه فربه کند و نه گرسنگی را باز دارد.» (الغاشیه: ۴-۷)

ضریح گیاهی خاردار و بسیار تلخ و متعفن‌تر از مردار و داغ‌تر از آتش است. جهنمیان به گرسنگی سیری ناپذیری دچار هستند که با تمام بدی‌های که برای خوراکی‌ها ذکر شد آن را می‌خورند و هیچ وقت سیر نمی‌شوند.

با تمام ویژگی‌هایی برای خوراکی‌های بهشت و جهنم ذکر کردیم می‌توان نتیجه گرفت تمام خوراکی‌های بهشت نماد شفا، لذت، جاودانگی، لذیذ بودن و پاکی هستند ولی در مقابل خوراکی‌های جهنم نماد زوال، بیماری، سختی، آلودگی و عذاب هستند.

۵-۱-۳ درخت‌ها

همان‌طور که در آیات قرآن ذکر شده است، بهشت پوشیده از درختان سرسبز و پرطراوت (رحمان: ۶۴) است که پدیدآورنده سایه‌های دلپذیر و معتدل می‌باشد (انسان: ۱۳ و ۱۴). از جمله درختانی که با توجه به آیات قرآن در بهشت می‌توان نام برد، درخت‌های طوبی (رعد: ۲۹)، سدر (نجم: ۱۴ و ۱۵)، موز (اقاقیا) (واقعه: ۲۹)، خرما و انار (رحمان: ۶۸) هستند. با استناد به آیات قرآن برخلاف بهشت که دارای درختان گوناگون و رنگارنگ است، در جهنم تنها یک نوع درخت به نام زقوم وجود دارد که از قعر جهنم رویده است. (ص: ۶۴ و ۶۵) و دارای میوه تلخ و بدبوی می‌باشد. (صافات: ۶۵ و ۶۶).

همان‌طور که مشاهده می‌کنید در بهشت و جهنم از وجود درخت یاد شده است. درخت به تنهایی نماد باروری، استواری، زایش، جاودانگی و زندگی است ولی در بهشت و جهنم با توجه به نوع درخت می‌تواند نماد مفاهیم گوناگون باشد. ویژگی درخت‌های بهشت به این ترتیب می‌باشد:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَبَدَ لَهُمُ مِنْ جَنَّاتٍ مُّجْرَجَاتٍ فِيهَا نَضْرِبَ الشَّجَرَاتُ الْمَوَاقِبَ وَالَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ مَالَ اللَّهِ سِحْرًا مُّزَيَّنًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْهُمْ سَخِرَ مِنْهُمْ سَخِيرًا وَهُمْ فِيهَا كَالْعِهْنِ الْمُعْوَجَّجِ الَّذِي لَا يُسْتَعْمَلُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فِيهَا فِي جَهَنَّمَ كَالْعِظَّةِ السَّاقِطَةِ الَّتِي لَا يَخْتَلِفُ فِيهَا شَيْءٌ وَلَا يَسْمَعُونَ فِيهَا صَوْتًا وَلَا يَذُقُونَ فِيهَا مَاءً وَلَا يَسْخَرُونَ فِيهَا مِنْكُمْ وَهُمْ فِيهَا كَالْحِجَابِ الْمُغْشَىٰ عَلَيْهِ السَّحَابِ لِيَذُقُوا الْحُمُولَ الَّتِي كَانَتْ أَجْزَاءً مِمَّا كَانُوا يَكْفُرُونَ» (رعد: ۲۹)

درخت طوبی دارای سایه گسترده‌ای است و بسیار تنومند و بلند است.

«عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ﴿١٤﴾ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ﴿١٥﴾ : در نزد (مقام) سدره المنتهی (که آن درختی است در سمت راست عرش که منتهای سیر عقلی فرشتگان و ارواح مؤمنان تا آنجاست و بر مقام بالاتر آگاه نیستند). بهشتی که مسکن متقیان است در همان جایگاه سدره است.» (النجم: ۱۴-۱۵)

درخت سدر نیز درخت خاردار مخروطی شکل است که بسیار تنومند و بلند است ولی با توجه به اینکه در قرآن به صورت فی سدر مخضود آمده است تنها عیب آن یعنی خاردار بودن نیز برطرف شده است.

«وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ : و در سایه درخت طلح پربرگ به سر می‌برند (درختی است خوشرنگ و خوشبو).» (واقعه: ۲۹)

برای طلح دو احتمال وجود دارد: موز و افاقیا

درخت موز که درختی پربرگ و خوشرنگ و خوشبو است که باعث به وجود آمدن سایه‌ای خنک و مرطوب می‌شود.

«فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَتَخْلُ وَرُمَّانٌ : در آنها میوه‌های فراوان و درخت نخل و انار است.» (رحمان: ۶۸)

درختان خرما و انار که به دلیل خواص میوه‌هایشان ذکر شده‌اند که در قسمت خوردنی‌ها به آن اشاره شد. نخل درخت تنومند بلند می‌باشد و درخت انار، یک درخت کم ارتفاع است که دارای میوه شفابخش انار است.

با توجه به همه ویژگی‌هایی که برای درختان بهشت ذکر کردیم، می‌توانیم آن‌ها را با نماد تولد، جاودانگی، باروری، استواری و زندگی دانست.

«أَذَلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿۶۲﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿۶۳﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ : آیا این (نعمت‌های جاویدان بهشت) بهتر است یا درخت (نفرت انگیز) زقوم؟ ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم. درختی است که از قعر جهنم می‌روید!» (صافات: ۶۲-۶۳)

تنها درخت جهنم زقوم است. گیاهی بدمنظر، تلخ، خشن، ناگوار، بدبو، بدطعم و سمی است که وقتی به بدن اصابت کند متورم می‌شود و دارای برگ‌های کوچک است. این گیاه با توجه به ویژگی‌های ذاتی خود کاملا در برابر درختان بهشت قرار می‌گیرد. شکل ظاهری آن که به

صورتی نیست که بتواند سایه تولید کند و میوه‌های آن به جای زندگی بخش بودن، خاصیت کشندگی دارند پس می‌توان نتیجه گرفت، درخت زقوم نماد مرگ، ضعف و عذاب می‌باشند.

۵-۱-۴ رنگ‌ها

«ذَوَاتَا أَفْتَانٍ : آن دو باغ بهشتی دارای انواع نعمتها و درختان پرطراوت است.» (رحمان:۴۸)

از بهشت به عنوان باغی با درختان گوناگون و رنگارنگ یاد شده است. از جمله رنگ‌هایی که به طور مستقیم در آیات قرآن مربوط به بهشت ذکر شده است، سبز و سفید می‌باشند.

«أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا : آنها کسانی هستند که بهشت جاودان از آنشان است، باغ‌هایی از بهشت که نه‌رها از زیر درختان و قصرهایش جاری است، در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته‌اند، و لباس‌های (فاخری) به رنگ سبز از حریر نازک و ضخیم در بر می‌کنند، در حالی که بر تخت‌ها تکیه کرده‌اند، چه پاداش خوبی و چه جمع نیکویی؟!» (کهف:۳۱)

«مُتَّكِنِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ: این در حالی است که این بهشتیان بر تخت‌هایی تکیه زده‌اند که با بهترین و زیباترین پارچه‌های سبز رنگ پوشانده شده.» (رحمان:۷۶)

سبز از ترکیب آبی و زرد می‌باشد. سبز بیشتر رنگ رشد گیاهان، زندگی جدید، بهار و آبادانی می‌باشد. به این دلیل آن را نماد امید، طبیعت و تازگی برمی‌شماریم. در آداب و رسوم مذهبی، سبز نماد ایمان و انتظار نجات است. در برخی از احادیث رنگ سبز را نماد یا رنگ اسلام دانسته‌اند.

«يُضَاءُ لَذَّةً لِلشَّارِبِينَ : شرابی که سفید و درخشانده و لذتبخش برای نوشندگان است.» (صافات:۴۶)

در تحلیل رنگ سفید که اغلب با بیرنگی مترادف است، معصومیت غیرقابل لمس و تزکیه را می‌توان عنوان کرد. رنگ سفید اغلب سمبل صلح و آزادی است به همین جهت رنگ پرچم

صلح است. البته سفید در برخی کشورها چون چین لباس عزا و ماتم است و ایرانیان نیز سفید را مقدس و نشانه خلوص و صمیمیت می‌دانند. (توکلی، ۱۳۷۸: ۷۲) بنابراین در مفهوم مثبت خود نماد روشنایی، قداست و معصومیت و در مفهوم منفی خود نماد مرگ و وحشت و عناصر فوق طبیعی است. (اسماعیل پور، ۱۳۷۸: ۲۲)

«وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرَهُمُ ذَلَّةً مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ : اما کسانی که مرتکب گناهان شدند جزای بدی به مقدار آن دارند و ذلت و خواری چهره آن‌ها را می‌پوشاند و هیچ چیز نمی‌تواند آنها را از (مجازات) خدا ننگه‌دارد، (چهره هاشان آنچنان تاریک است که) گوئی پاره‌هایی از شب تاریک (سیاه) صورت آن‌ها را پوشانده، آن‌ها یاران آتشند و جاودانه در آن خواهند ماند.» (یونس: ۲۷)

سیاه سمبل شب، ظلمت، غم، وحشت، اضطراب و رنگ اندوه و مرگ است. این رنگ را رنگ شیطان و اهریمنان دانسته‌اند و رنگی برای پوشیدگی و رازداری و جنایت و دزدی است. سیاه رنگ ماتم و عزاست و کلماتی چون ، سال سیاه (سال خشکی و کم باران)، جامعه سیاه و غیره نمایانگر تأثیرات منفی این رنگ است. (توکلی، ۱۳۷۸: ۷۸)

به طور کلی رنگ در اصطلاح یک انعکاس مرئی است که در اثر عبور، انتشار یا بازتاب ترکیب رنگ‌ها توسط اشیاء به وجود می‌آید. از دیدگاه علمی ثابت شده که همه رنگ‌ها از تشعشع‌های نور خورشید است و هر شی به میزان شفافیت و خاصیت جذب پرتوها، بعضی پرتوها را جذب می‌کند و برخی را باز می‌تاباند. در نتیجه آن شی را به رنگ پرتوهای بازتاب شده می‌بینیم. پس می‌توان نتیجه گرفت بهشت تمام نور است که به رنگ‌های متنوع درآمده است و جهنم که جز سیاهی نیست که این سیاهی از فقدان نور ناشی می‌شود.

۲-۵ طرحواره‌های تصویری حجمی

طرحواره‌های تصویری حجمی الگوهای ذهنی انسان می‌باشد که از طریق تجربیات حسی و عینی وی از محیط زندگی دریافت شده‌است. آنگاه برای بیان مفاهیم انتزاعی در قالب واژگان،

از همان دریافت‌های حسی استفاده می‌کند و بدین روش به آن‌ها حجم و اندازه می‌دهد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۶۳).

جانسون بر این باور است که «انسان برحسب تجربه قرار گرفتن در مکان‌های دارای حجم، ویژگی حجم داشتن را به مفاهیمی گسترش داده‌است که برایشان حجمی قابل تصور نیست» (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۴).

خداوند تبارک و تعالی مفهوم بهشت که برای ما یک مفهوم انتزاعی است و ما آن را نه دیده‌ایم و نه تجربه کرده‌ایم را در قالبی آیات مختلف برای ما قابل فهم کرده است. در این بخش، چند نمونه برای مثال ارائه شده است:

«أَبْطَمِعُ كُلَّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ: آیا هر یک از آنان طمع می‌بندد که در بهشت پر نعمت درآورده شود» (المعارج: ۳۸)

از فعل «يُدْخَلَ» استفاده شده است که به معنای داخل شدن هست. به این معنا که برای بهشت مکانی در نظر گرفته شده‌است می‌شود به آن داخل شد.

«فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ: در بهشت برین‌اند.» (الغاشیه: ۱۰)

در این آیه از حرف اضافه «فی» برای بهشت به کار رفته‌است. بدین ترتیب برای آن حجم در نظر گرفته شده‌است.

«وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَآءَ مُؤْمِنَةٍ حَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ حَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ: و با زنان مشرک ازدواج مکنید تا ایمان بیاورند قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است هر چند [زبیبی] او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است هر چند شما را به شگفت آورد آنان [شما را] به سوی آتش فرا می‌خوانند و خدا به فرمان خود

[شما را] به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند و آیات خود را برای مردم روشن می‌گرداند باشد که متذکر شوند.» (البقره: ۲۲۱)

در این آیه قبل از بهشت حرف اضافه «إِلَيَّ» به معنای به سوی استفاده شده است. این حرف اضافه اصولاً با یک مکان به کار می‌رود. بنابراین برای بهشت یک مکان در نظر گرفته شده است.

جهنم نیز مانند بهشت، برای ما یک مفهومی است که تجربه نکرده‌ایم، بنابراین خداوند برای درک بهتر ما، این مفهوم را در قالب‌های قابل درک استفاده کرده است. چند نمونه ازین دست آیه‌ها در این بخش تحلیل می‌شود:

«وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۴۳﴾ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ: و قطعاً وعده گاه همه آنان دوزخ است - [دوزخی] که برای آن هفت در است و از هر دری بخشی معین از آنان [وارد می‌شوند]» (الحجر: ۴۳-۴۴)

در این آیه برای جهنم، هفت در، در نظر گرفته شده است. به این منظور آن مکانی در نظر گرفته شده است که دارای مکان و حجم است که برای وارد شدن درهایی تعبیه شده است.

«قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سُنُوعُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَيَّ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ: بگو به آنان که کافر شدند که به زودی مغلوب شوید و به جهنم محشور گردید که بسیار بد جایگاهی است.» (آل عمران: ۱۲)

در این آیه حرف اضافه «إِلَيَّ» برای جهنم به کار رفته است که به معنای به سوی است. همچنین این حرف اضافه اصولاً با یک اسم مکان به کار می‌رود. بنابراین برای جهنم حجم و مکان در نظر گرفته شده است.

«وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا: و محققاً خداوند در کتاب خود این حکم را بر شما فرستاد که چون آیات خدا را شنیدید که بدان کافر شوند و استهزا کنند پس با آن گروه (منافق) مجالست مکنید تا در حدیثی دیگر داخل

شوند، که (اگر با آنان همنشین شوید) آن گاه شما هم مانند آنان هستید. و خدا منافقان را با کافران در جهنم جمع خواهد کرد.» (نساء: ۱۴۰)

در این آیه حرف اضافه «فی» قبل از جهنم به کار رفته است که به معنای در است. بدین ترتیب برای جهنم مکان در نظر گرفته شده است.

۶- نتایج

۶-۱ آیه های به کار رفته برای توصیف بهشت و جهنم بیشتر از سوره های مکی می باشند، می توان این را به سبب اینکه سوره های مکی برای دعوت به ایمان به معاد و روز رستاخیز می باشند

۶-۲ قرآن به عنوان یک اثر بارزش ادبی و معنوی، مملو از طرحواره های تصویری است تا مفاهیم انتزاعی و پیچیده را برای ما ملموس جلوه دهد.

۶-۳ در نعمت های بهشتی تنوع زیاد و دلپذیر است اما در جهنم تنوع کمی وجود دارد که از بدترین عناصر هستند.

۶-۴ هر آنچه در بهشت است نماد امید، زندگی، شفا و لذت است در حالی که عناصر مربوط به جهنم نماد مرگ، عذاب و سختی است.

کتابنامه

قرآن کریم

الزجاجی، ابوالقاسم (۱۹۸۴ م)، حروف معانی، تحقیق علی توفیق الحمد، الأردن، مؤسسة الرسالة.

السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن (۱۹۵۱ م)، الإتقان فی علوم القرآن، القاهرة، نشر مصطفى البابی الحلبي، ط ۳.

بزرگ بیگدلی، سعید (۱۳۷۸)، نماد و تعابیر نمادین در شعر معاصر فارسی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ با تکیه بر آثار پنج تن از شاعران این دوره، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

دهخدا، علی اکبر (بی تا) (۱۳۱۰)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر جعفر شهیدی، تهران، سیروس.

راسخ مهند، محمد (۱۳۹۳)، درآمدی بر زبانشناسی شناختی نظریه ها و مفاهیم، تهران، سمت، چ ۴.

ستاری، جلال (۱۳۷۲)، مدخلی بر رمزشناسی عرفانی، چاپ اول، تهران، مرکز

صفوی، کورش (۱۳۸۴)، فرهنگ توصیفی معنی شناسی، تهران، فرهنگ معاصر.

قبادی، حسینعلی (۱۳۷۵)، تحقیق در نمادهای مشترک حماسی و عرفانی در ادب فارسی، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، سبک شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، تهران، سخن.

قاسم‌زاده، علی (۱۳۸۱)، بررسی و تحلیل عنصر رنگ در شعر معاصر (با تکیه بر اشعار نیما، سپهری، شاملو، موسوی گرمارودی و طاهره صفرزاده)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

-Croft, William and D. Alan Cruse (2004) Cognitive Linguistics. Cambridge: Cambridge University Press.

- Evans, Vyvyan, Green, Melanie (2006) Cognitive Linguistics. Amazon books.

- Langacker, Ronald W. (1987) Foundations of Cognitive grammar. Standford University.